

چکیده

وحدت وجود یکی از مهم ترین باورهای عرفانی است که همواره چالش های فراوانی را در برداشته است ابن عربی در اکثر آثار خود به بررسی این مسئله پرداخته و ملاصدara در اسفار از راه قاعده بسیط الحقیقه وحدت را تبیین می کند و مدعی است که توanstه است این نظریه ای عرفانی را تبیین فلسفی نماید اما بعدها در شرح ملاصدرا اختلافی پدید آمد؛ برخی از پیروان این نظام فلسفی نظریه ای وحدت تشکیکی وجود را تنها تبیین معقول از نظریه وحدت وجود عرفا دانسته اند و اما برخی دیگر بر این باور بوده اند که سخن عرفا چیزی بیش از این است و قائل شده اند که ملاصدرا نیز در نظام فلسفی خود توanstه از وحدت تشکیکی وجود گذر کند و به وحدت شخصی وجود برسد. در این مقاله پس از پرداختن به وحدت وجود در عرفان ابن عربی، وحدت وجود در حکمت متعالیه، حکمت متعالیه و قاعده بسیط الحقیقه و در نهایت به نقد و بررسی ادله ای وحدت شخصی وجود پرداخته شده است. لازم به ذکر است در این پژوهش از روش کتابخانه ای استفاده شده است. نتیجه ای قابل طرح این است که نظریه ای وحدت وجود، برخلاف آنچه که به نظر می رسد، نظریه ای گسترده و عمیق می باشد.

کلید واژه: وحدت وجود، ابن عربی، ملاصدرا، بسیط الحقیقه، حکمت متعالیه، فصوص الحكم

وحدت وجود زیربنای بسیاری از مباحث عرفان است. از این رو عرفا بیش از هر موضوع دیگر به طرح آن پرداخته‌اند. دیدگاه وحدت وجود از جمله نظریه‌های فلسفی و عرفانی است که دارای پیشینه تاریخی و طولانی است و به گواهی مورخان فلسفه اولین کسی که به طور مشخص این دیدگاه را مطرح کرده، فیلسوفی به نام پارمنیدس است. او به طور صریح و آشکار میگوید:

وجود فقط هست { واقعیت دارد } و واحد است (کاپلستون، یونان و روم ، ص ۶۱).

او در این کلام نه تنها واقعیت داشتن مفهوم وجود را مطرح میکند، بلکه مصدق آن را هم واحد می داند.

دیدگاه وحدت وجود اصولاً بر دو مطلب استوار است: الف وجود دارای واقعیت عینی است؛ ب. مصدق این واقعیت عینی، واحد است. با توجه به همین دو مطلب است که این دیدگاه به وحدت وجود مشهور شده استحصال وحدت شخصی وجود ابن عربی این است که وجود دارای واقعیت عینی است و مصدق آن امر واحدی است که حق یا خدا نام دارد و یک شخص است که دارای همه کمالات است. رابطه او با جهان رابطه ظاهر و مظہرات است و براین اساس همه آنچه ماسوای او در عالم است و ما از آن به اشیا و موجودات مختلف یاد می کنیم، در واقع چیزی جز تجلیات و ظہورات آن نیست (ابن عربی ، فصوص الحكم ، ص ۱۲۰، ۵۵، ۴۹) در این نوشتار تلاش خواهیم کرد تا دیدگاه ابن عربی و ملاصدرا را در رابطه با وحدت وجود تبیین و توضیح نمائیم. از آنجا که این مبحث به عنوان مقدمه ای برای ورود به سایر مباحث عرفانی است جهت آشنایی سایرین تهیه شده است واز مراجعه به کتب مختلف در این رابطه و خلاصه برداری به صورت کلی به این موضوع پرداخته شده که عنوانین این کتب در فهرست منابع طرح گردیده است.

وحدت وجود در عرفان ابن عربی

به باور ابن عربی، هرچه غیر خداست، صرفاً نمود و سایه و تجلی خداوند است. علیت نه به معنای ایجاد ممکنات، که به معنای تطور وجود مطلق در اطوار خود و تشان او در شئون خود و ظهور او در مظاهر خود است. چنین وجودی با تنزلات خود تباین ندارد و از آنها دور و منفصل نیست. در واقع، کثرت حقیقی در وجود محال است و کثرت حسی مشهود، صرفاً به عنوان کثرت در مظاهر، قابل تبیین و پذیرش است. تمام هستی‌ها در مقابل هستی حق تعالی در حکم عدم اند. در واقع - و به تعبیر حلاج - همه موجودات جلوه‌های حق تعالی (lahوت) در

ناسوت هستند:

سبحان من اظهرا ناسوت
سرسنا لاهوته الثاقب

ثم بدا لخلقہ ظاہرا
فی صوره الْأَكْل و الشارب

«منزه است کسی که ناسوتی راز روشنایی نافذلاهوتش را هویداکرد. آنگاه در میان بندگانش در چهره موجودی خورنده و آشامنده آشکارگردید. تنها خداوند است که موجود حقیقت و ممکنات دارای وجود اضافی اند (ابن عربی، أنساء الدوائر، ص ۷-۶). به تعبیر دیگر، هیچ یک از ممکنات در مقابل خداوند دارای وجود نیستند: «خداوند موصوف به وجود است و هیچ ممکنی با او موصوف به وجود نیست. بلکه می‌گوییم که خداوند عین وجود است. این همان قول رسول الله (ص) است که فرمود: «کان الله و لا شيء معه» (خدا هست و چیزی جز او موجود نیست) (ابن عربی، الفتوحات المکیه، ج ۳، ص ۴۲۹). ابن عربی «کان» را در حدیث پیامبر (ص)، فعل نمی‌داند؛ بلکه بر این باور است که «کان» حرف وجودی است و زمان در آن اخذنشده است و لذا عبارت مشهوری که از جنید بغدادی در توضیح این حدیث نقل است: «والآن كما كان» (هم اکنون نیز چنین است) نمیتواند صحیح باشد و نوعی سوء ادب نسبت به پیامبر (ص) است که حضرت چیزی فرموده باشد که نیاز به تکمیل دارد» (رک. همان، ج ۲، ص ۵۶). خداوند، وجود مطلق است؛ وجودی که ابن عربی از آن به «هو» تعبیر میکند: «فأن الباري وجود مطلق لاول له ولا آخر، هو فهو على الحقيقة» (خداوند وجود مطلق است که اول و آخر

ندارد، او در حقیقت «هو» است (همو، کتاب الازل، ص ۱۵۷). «هو» که ابن عربی آن را با «ال» تعریف بیان کرده است، ضمیر نیست بلکه ناظر به مقام ذات حق است، زیرا کنایه از احادیثی است که اشاره به ذات الهی در حقیقت خود؛ یعنی بدون اضافه به صفتی خارج از این حقیقت دارد. دلیل این کنایه میتواند این باشد که «هو» باطن هر موجودی است «هو» کنایه از احادیث است و لذا در نسبت های الهی «قل هو الله احد» گفته میشود. پس «هو» ذات مطلق است که دیده ها با بینایی خود و عقل ها با افکار خود قادر به درک او نیستند (همو، کتاب الیاء، ص ۱۳۷). دلیل این امر، اسقاط هر نسبت و اضافه از ذات الهی و اطلاق آن است و لذا ذات مطلق، حقیقتی است که با «هو» از آن یاد میشود؛ زیرا «مقامی وجود ندارد که یک تجلی از تجلیات الهی در آن نباشد مگر اینکه «هو» در باطن آن تجلی موجود است» (همانجا) به این دلیل که احادیث الهی در تمام موجودات جاری است. حقیقت این «هو» آن است که واجب الوجود به نفسه است؛ چون قائم بالنفس است و کائنات، مظاهر او و قائم به او هستند. عقل توانایی انکار این حقیقت را ندارد و شرع نیز آن را تأیید میکند (هموء الفتوحات المکیه ج ۱، ص ۲۹۱).

وحدت وجود در حکمت متعالیه

در بحث از «وحدت وجود»، ملاصدرا با اینکه خود به «وحدت شخصی وجود» باور دارد، ابتدا بر «وحدت تشکیکی وجود» برهان اقامه کرده است؛ قولی که میتوان آن را واسطه ای بین قول به «تباین وجودها»، که به فیلسوفان مشائی منسوب است، و قول به «وحدت شخصی وجود» دانست. دلیل این امر؛ به تصریح خودوی، رعایت ترتیب در مباحث فلسفی و تعلیم فلسفه است و منافاتی با باور اولیا و عرفای اهل کشف و یقین؛ یعنی «وحدت وجود و موجود ذاتاً و حقیقتاً» ندارد (ملاصدرا، الاسفار الاربعه ج ۱، ص ۷۱).

الف وحدت تشکیکی وجود: در این نوع از وحدت – که به واسطه تأکید ملاصدرا بر آن در آثار خود، از مختصات فلسفه وی به شمار می آید – همچنان که وحدت در وجود، حقیقی است، کثرت نیز حقیقی است؛ یعنی وجود حقیقتی دارای مراتب است که وجه اشتراک و وجه اختلاف آن مراتب، چیزی جز حقیقت وجود نیست. به تعبیر آیت الله جوادی آملی در حقیقت تشکیک چهار امر معتبر است: اول) وحدت حقیقی، محیط برکشrt و ساری در

آن باشد و احاطه و سریان آن مجازی نباشد؛ بلکه حقیقی باشد. چهارم) کثرت حقیقی به نحو حقیقت، منطوی در تحت آن واحد حقیقی باشد(رک. جوادی آملی، رحیق مختوم، بخش ۵ از ج ۱، ص ۵۴۸-۵۴۷).

در فلسفه مشائی وجود به علت و معلول تقسیم میشود که هر یک از آنها، وجودی مستقل از دیگری دارد. ملاصدرا در حکمت متعالیه با رد این قول، ابتدا معلول را وجودی عین ربط به علت می داند؛ یعنی تقسیم وجود به علت و معلول، به تقسیم وجود به مستقل و رابط باز میگردد. در این فرض نیز معلول دارای وجود است؛ اما وجودی که استقلالی از خود ندارد.

ب وحدت شخصی وجود؛ ملاصدرا در مباحث علت و معلول، به تعبیر خویش فلسفه را تکمیل کرده است وی با تحقیق در حقیقت علت و معلول، از «وحدة تشکیکی وجود» گذر کرده و بر «وحدة شخصی وجود» شأن آن است؛ یعنی در هستی، وجود حقیقی یکی است که واجب الوجود است و هریک از ممکنات، جهتی از جهات اوست: «و رجعت عليه المسمى بالعله و تأثیره للملعل ألى تطوره بتطور و تحیيته بتحیيته لا انفصال شيء مباین عنه» (ملاصدا، الاسفار الاربعه، ج ۲، ص ۳۰۱).

براین اساس اسناد وجود به ممکنات، اسنادی مجازی یا به اشتراک لفظی است. البته منظور از مجاز؛ مجاز عرفانی است، یعنی ماسوی الله مصدق بالعرض وجود هستندو آنچه اولاً و بالذات متن واقعیت را به خود اختصاص داده و مصدق بالذات وجود محسوب میشود وجود حق تعالی است و آنچه از کثرت و تفاوت مراتب و شدت و ضعف مشاهده میشود به تشکیک در ظهورات ارجاع داده میشود (ر. ک ابن ترکه، تمہید القواعد، ص ۳۵ و ص ۱۱۱)، یعنی در بین مظاهراین واحد شخصی، از جهت مظہریت، مراتب شدت و ضعف است، به گونه ای که یکی مظہر تمام و تمام است و دیگری مظہر ناقص که این تفاوت و تفاضل را به «تشکیک در مظاهر» تعبیر میکنند. به بیان دیگر، با اثبات اعتباریت ماهیت، فقط وجود وجوبی حق تعالی اصیل و حق است و غیر آن فانی و باطل، اگر چه به آنها، از روی مجاز؛ وجود اطلاق شود(رک. ملاصدرا، الشواهدالربویه، ص ۴۹).

ذات الهی در ظهور دوم خود براساس همان صورت های علمی ظهور پیدا میکند، براین اساس هر آنچه در عالم واقع میشود به همان ترتیب است که صورت علمی یا عین ثابت آن اقتضا میکند و از آنجا که اعیان ثابت و صور علمی هر کدام تجلی تعینی خاص از ذات الهی است، بنابراین هر چیزی آن گونه تحقق می گیرد. که ذات الهی اقتضای آن را میکند، بر این اساس راهی برای یک موجود جز تسلیم به قضا و قدر او که همان تجلی اوست باقی نمی ماند.

ابن عربی در فصوص الحكم، فصل عزیری مطرح میکند: که قضا حکم خداوند است برتحقق اشیاء آن گونه که لوازم اعیان ثابت و صورت های علمی اشیا مقتضی آن است (ص ۱۳۱). مطابق آنچه او در فتوحات مکیه، ج ۳ مطرح میکند، قدر عبارت است از تعین اینکه لوازم و احوال اعیان ثابت (صورت های علمی تعینات ذات) در چه زمانی بدون تقدم و تأخیر تحقق عینی بگیرند. به عبارت دیگر قدر در نظر او تفصیل قضا و تقدير ماقضی است بحسب الازمان من غير زياده و نقصان (ص ۱۱۲) و در ج ۴ نیز به این مطلب اشاره میکند(ص ۱۷ و ۱۵).

از نظر ابن عربی از آنجا که علم به سر القدر (معرفت نسبت به مفهوم واقعی قضا و قدر که گفته گردید) علم به آثار اعیان و احوال آن از جمله سرنوشت بنی آدم است، بدین جهت عالم به آن هم از آسایش و آرامش کلی برخوردار است و هم از طرف دیگر گرفتار عذاب دردناک میشود او در فصوص الحكم می گوید:

فالعلم به يعطى الراحه الكلية للعالم به ، و يعطى العذاب الاليم للعالم به (ص ۱۳۲)

۸. جبر و اختیار

از جمله لوازم نظریه وحدت شخصی وجود این است که نظریه اشاعره بر معتزله در مورد رابطه انسان و فعلش ارجح باشد، زیرا اگر رابطه خدا با ماسوای خود رابطه ظاهر و مظهر باشد، هر چیزی در واقع ظهور آن حقیقت خواهد بود و این ظهور حتمی و ابدی است. در این صورت دیگر فعل انسان هم از جمله این ظهور خواهد بود و دیگر جایی برای اختیار انسان در مورد فعلش باقی نمی ماند،

ابن عربی در کتاب فتوحات مکیه ، ج ۴ بالشاره به آیه شریفه والله خلقکم و ما تعملون (صافات / ۹۶) می گوید.

که منشأ اعمال ما جسم ما نیست، بلکه قوایی است در انسان که خلق خداوند است و به خاطر همین است که عمل خلق را در آیه شریفه به خود نسبت میدهد (ص ۲۰) او در ادامه مطلب میگوید که اکثر مردم از حقیقت مذکور غافل هستند و اینکه معترض ادعا کرده اند که انسان خالق فعال خود است از قوای خود آگاه شده اند، ولی از مقوی آن قوا غافل مانده اند. (همانجا)

جمع بندی و نتیجه گیری

وحدت وجود نظریه ای بود که هر چند ابتدا از جانب عرفای مطرح شد، ولی تبیین فلسفی بی اشکالی از جانب ایشان برای آن عرضه نگردید و حتی خود صدراییان مناقشاتی بر ادلہ عرفای وارد کردند. سپس فلاسفه سعی در ارائه برهان فلسفی بر این مدعای کردند و ملاصدرا مهمترین فیلسوفی است که به تبیین فلسفی آن اقدام کرد. اما در آثار وی عباراتی وجود داشت که بتدریج موجب اختلاف نظر در میان شارحان وی گردید. برخی تنها تبیین فلسفی پذیرفتند و از وحدت وجود عرفای را همان نظریه وحدت تشکیکی وجود (وحدت در کثرت و کثرت در وحدت) دانستند و برخی معتقد شدند که نظریه وحدت تشکیکی وجود در حکمت متعالیه صرفاً پلی برای رسیدن به نظریه نهایی این نظریه بوده است که همان وحدت شخصی وجود و نفی هر گونه وجود (حتی وجود رابط) از غیر واجب تعالی است.

برای اینکه بتوان میان این دو دیدگاه قضاوت کرد، ابتدا به بررسی ادلہ ای پرداختیم که از نظر طرفداران وحدت شخصی وجود، اقتضای پذیرش وحدت شخصی وجود بعنوان امری فراتر از وحدت تشکیکی وجود را داشت. سه دلیل از طرف ایشان ارائه شده است: یکی مبنی بر ارجاع علیت به تسان، دومی با استفاده از عدم تناهی واجب الوجود، و سومی بر اساس انتزاع وجود از واجب بودن هر گونه حیثیت. بررسی فلسفی نشان داد که دو دلیل اول، به لحاظ فلسفی از اثبات چنین ادعایی ناتوان اند و تنها اگر نکته ای باشد، در برهان سوم است. این برهان توجه دقیقی به تفاوت کیفیت صدق وجود بر وجود ممکن وجود واجب بود، یعنی نشان می داد که موجود اولا و بالذات بر

واجب صادق است و اگر بر ممکن صادق است، ثانیاً و بعرض است. این نکته تنطیم مهمی در مسئله است بطوریکه معنای نظریه تشکیک وجود را به مراتب عمیق تر از آنچه شاید در ابتدا به نظر می‌رسید، می‌کند.

منابع

قرآن کریم:

آملی، سید حیدر، جامع الأسرار و منبع الأنوار؛ تهران، انتشارات علمی و فرهنگی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۸.

ابن تركه، صائب الدين على بن محمد، تمہید القواعد، تهران؛ انتشارات وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۰.

شرح فصوص الحكم، ج ۱، قم، بیدار، ۱۳۷۸.

ابن سینا، حسین بن عبدالله، الشفاء (الالهیات)، به تصحیح سعید زاید، قم، مکتبه آیت الله المرعشی؛ ۱۴۰۴ ق.

الشفاء (المنطق)، تحقیق حسن زاده آملی؛ قم؛ دفتر تبلیغات اسلامی؛ ۱۴۱۸ ق.

ابن عربی، انشاء الدوائر، لیدن؛ چاپخانه لیدن؛ ۱۳۳۶ ق.

-----، الفتوحات المکیه ۴ ج بیروت؛ دار صادر؛ بی تا.

-----، فصوص الحكم، تعلیقه ابو العلاء عفیفی، بیروت، دار الكتب العربی، ۱۴۰۰ ق.

-----، ترجمه و توضیح محمد علی موحد و صمد موحد، تهران، نشر کارنامه؛ ۱۳۸۵.

-----، کتاب الازل، در رسائل ابن عربی؛ به کوشش محمد شهاب الدین العربی؛ بیروت؛ دار صادر؛ ۱۹۹۷.

-----، کتاب الیاء در رسائل ابن عربی؛ به کوشش محمد شهاب الدین العربی؛ بیروت؛ دار صادر؛ ۱۹۹۷.

AFLOUTIEN؛ ANTOLOGIA، تحقیق عبدالرحمن بدوى، قم، بیدار، ۱۴۱۳ ق.

پارسا، محمد، شرح فصوص الحكم؛ تهران، مرکز نشر دانشگاهی؛ ۱۳۶۶.

جندی، مؤید الدین، شرح فصوص الحكم؛ بی جا؛ بی نا؛ بی تا (نرم افزار عرفان).

جوادی آملی ، عبدالله ، رحیق مختوم ، قم؛ مرکز نشر اسراء ، ۱۳۸۲

----- ، شرح حکمت متعالیه ، تهران انتشارات الزهراء . ۱۳۶۸

حلاج ، حسین بن منصور؛ مجموعه آثار حلاج ، به کوشش قاسم میر آخوری ؛تهران ؛بیاد آوران ؛ ۱۳۷۹

سبزواری؛ اسرار الحکم، با مقدمه استاد صدوقی و تصحیح کریم فیضی ، قم ؛ مطبوعات دینی ؛ ۱۳۸۳

----- ، تعلیقات بر شواهد الربوبیه ؛تصحیح و تعلیق سید جلال الدین آشتیانی ، مشهد؛ مرکز نشر دانشگاهی ؛ ۱۳۶۰

----- ؛ شرح المنظومه ، تصحیح و تعلیق آیه الله حسن زاده آملی و تحقیق و تقدیم مسعود طالبی ، تهران ؛نشر ناب ؛ ۱۳۷۹ .

شهابی ؛ محمود؛ النظره الدقيقة فى قاعده بسيط الحقیقه ؛تهران؛انجمن فلسفه ایران؛ ۱۳۹۶ ق.

صدقوق ، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی ، التوحید ، قم ، مؤسسه نشر اسلامی ، ۱۳۹۸ ق.

طباطبا یی ، محمد حسین ، الرسائل التوحیدیه بیروت ، مؤسسه النعمان ، ۴۱۹ ق

طوسی ، خواجه نصیرالدین ، رساله فی حقیقہ الوجود ، در کلمات المحققین ، قم ۱۳۴۱

فارابی ، فصوص الحکم ، تحقیق شیخ محمد حسن آل یاسین ، قم ، بیدار ۱۴۰۵ ق

فنازی محمد بن حمزه مصباح الانس (شرح مفتاح الغیب) تهران ، مولی ۱۳۷۴

فیض کاشانی ملاحسن الوفی تحقیق و تعلیق سید ضیاء الدین علامه ج ۱ اصفهان کتابخانه امیرالمؤمنین ، ۱۴۰۶ ق

قیصری داود شرح فصوص الحکم ، بی جا ، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۷۵

کاشانی عبدالرازاق شرح فصوص الحکم قم ، بیدار ، ۱۳۷۰ .

مجلسی ، محمد باقر بحار الانوار ج ۴ ، ۳ بیروت ، موسسه الوفاء ۱۴۰۴ ق .

ملاصدرا صدرالدین محمد شیرازی الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه بیروت ، دارحیاء اترات العربی ۱۹۸۱ ،

